

سیاست اوراسیایی ترکیه: منافع و دستاوردها

علیرضا کریمیان*
جهانگیر کرمی^۲

۱۳۳



فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره نهم، شماره
دوم، شماره پیاپی
سی و دوم
تابستان ۱۳۹۸

چکیده

این مقاله با هدف تبیین سیاست اوراسیایی ترکیه نوشته شده است. پرسش‌های مطرح شده در این مقاله عبارت‌اند از: این کشور چه اهدافی را و از طریق چه روش‌هایی در منطقه اوراسیای مرکزی دنبال نموده و چه دستاوردهایی داشته است؟ اما پرسش اصلی آنست که این کشور چگونه توانسته است به نتایجی قابل قبول دست پیدا کند؟ ایده اصلی این نوشته آنست که دولت ترکیه در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از شرائط مساعدی برخوردار بوده و از این رو، کوشیده است تا از آن‌ها بهره لازم را ببرد. آنکارا در سطح داخلی با وجود دو نگرش متفاوت سکولار قومی و مذهبی در سیاست خارجی، اما نقطه مشترک هر دو آن‌ها منافع ملی و اولویت بخشی به اقتصاد و تقویت بخش خصوصی بوده و لذا در تعامل با کشورهای منطقه نیز با دست برتری برخورد کرده‌اند. در سطح منطقه‌ای با وجود اختلاف با ارمنستان و کدورت‌هایی که با ازبکستان پیش آمده اما در مجموع نگاه دولتمردان سایر کشورها به آنکارا بسیار مساعد بوده و کمتر با مشکلی از ناحیه آن‌ها روبرو شده‌اند. در سطح بین‌المللی نیز شرائط چندان به زیان دولت ترکیه و اقداماتش در آسیای مرکزی و قفقاز نبوده است و از این رو، با فراغ بال بیشتری نسبت به ایران در این عرصه حضور یافته است.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، قفقاز، ترکیه، سیاست منطقه‌ای، سیاست خارجی، نفوذ، رقابت.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

* karimian.alireza@yahoo.com

۲. دانشیار روابط بین الملل دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۸
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و دوم، صص ۱۶۰-۱۳۳

مقدمه

سیاست خارجی ترکیه در حدود سه دهه اخیر نسبت به منطقه اوراسیای مرکزی با دستور کارهای متفاوتی چون گسترش بازار تجاری، نفوذ فرهنگی، قومی و گاه نیز مذهبی دنبال شده است. در دوره جنگ سرد دولت ترکیه در چارچوب سیاست‌های غربگرایانه عمل می‌نمود و به عنوان عضوی از پیمان نظامی ناتو، از نقاط مهم مواجهه با اتحاد جماهیر شوروی و مرزهای آن با این ابرقدرت، کمر بند امنیتی و سد نفوذ بود و به طور طبیعی با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، از استقلال این مناطق استقبال نموده و کوشید تا از فضای جدید ایجاد شده در مناطق قفقاز و آسیای مرکزی در جهت اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود بهره‌برداری کند و اگر چه در سی سال گذشته روند یکسانی را طی نکرده اما می‌توان آن را در مراحل متفاوت اما در مجموع، هم افزا تلقی نمود که با وجود تحولات داخلی به ویژه دو دوره متفاوت سکولارها و اسلام‌گرایان، تفاوتی بنیادین در این رابطه وجود نداشته است.

اهمیت نفوذ ترکیه در منطقه تا جایی بود که، حتی برخی تحلیلگران مانند ریچارد کشمن از ترکیه به عنوان کلید ژئوپلیتیک و قدرت ارگانیک منطقه یاد کرده‌اند (Cashman, 2013: 87)؛ و یا در دوره اسلام‌گرایان از چرخش به شرق سخن گفته‌اند (Larrabee, 2011: 103). اگر چه بازیگران اصلی بین‌المللی در منطقه به طور عمده ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه بوده‌اند، اما نقش قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه در این عرصه بسیار حساس بود و برای آینده منطقه و جمهوری اسلامی ایران حیاتی تلقی می‌شود. *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

مسئله مهم این مقاله بررسی وضعیت ترکیه در سه دهه اخیر در قلمرو گسترده اوراسیایی بوده و هدف نگارندگان در آنست که سه دهه موفقیت آنکارا را در این عرصه مهم مورد بررسی قرار داده و روشن نمایند دولت ترکیه چه نگرش‌هایی در قبال منطقه داشته و چه اهدافی را دنبال نموده و با چه روش‌هایی این اهداف و مقاصد منطقه‌ای را دنبال نموده و از این‌ها مهم‌تر اینکه چه دستاوردهایی داشته است؟

اما پرسش اصلی آنست که چگونه ترکیه توانسته است به نتایجی قابل قبول دست پیدا کند؟ نکته مهم آنست که ترکیه در صدد بهره‌گیری از فضای جدید منطقه و خروج

از انزوای محیطی، بدنبال نفوذ قومی، مذهبی، و اقتصادی بوده و در این رابطه به نتایج مهمی دست یافته است. اگر چه مشکلات و محدودیت‌های آن زیاد بوده اما توانسته است از فرصت‌های خود به نحو مناسبی استفاده نماید.

ایده نگارندگان آنست که دولت ترکیه در طی حدود سه دهه گذشته در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از شرایط مساعدی برخوردار بوده و از این رو، کوشیده است تا از آن‌ها بهره لازم را ببرد. آنکارا در سطح داخلی با وجود دو نگرش متفاوت سکولار قومی و مذهبی در سیاست خارجی، اما نقطه مشترک هر دو آن‌ها منافع ملی و اولویت بخشی به اقتصاد و تقویت بخش خصوصی بوده و لذا در تعامل با کشورهای منطقه نیز با دست پرتری برخورد کرده‌اند. در سطح منطقه‌ای با وجود اختلاف با ارمنستان و کدورت‌هایی که با ازبکستان پیش آمده اما در مجموع نگاه دولتمردان سایر کشورها به آنکارا بسیار مساعد بوده و کمتر با مشکلی از ناحیه آن‌ها روبرو شده‌اند. در سطح بین‌المللی نیز شرایط چندانی به زیان دولت ترکیه و اقداماتش در آسیای مرکزی و قفقاز نبوده است و از این رو، با فراغ بال بیشتری نسبت به ایران در این عرصه حضور یافته است.

در مورد سیاست خارجی ترکیه در حوزه اوراسیایی مقالات زیادی به زبانهای خارجی از انگلیسی تا ترکی و نیز به زبان فارسی منتشر شده است که عمدتاً دوره‌های ده ساله یا حداکثر دو دهه‌ای بین ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ را در بر گرفته است. در این رابطه می‌توان به مقاله «سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی» اشاره کرد که جنبه‌های نظری و عملی سیاست خارجی ترکیه را در منطقه قفقاز جنوبی تحلیل نموده و این ایده را مطرح نموده که دولت ترکیه دهه گذشته توانسته با حاکم کردن دیدگاهی واقع‌نگر و چندبعدی در سیاست خارجی خود، روابطش را در جنبه‌های مختلف با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی توسعه دهد و به گسترش نفوذ در این منطقه بپردازد (عطایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۷).

در مقاله «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه»، نویسندگان با چند بعدی دانستن رویکرد اسلام‌گرایان ترکیه به منطقه، آن را در مقابل ایران و روسیه دانسته و ایده اصلی آن‌ها آنست که سیاست‌های ترکیه در قفقاز، به دلیل

تأثیرگذاری مستقیم بر منافع منطقه‌ای ایران و روسیه و تحدید منافع آن‌ها، سبب به وجود آمدن تقابل منافع میان ترکیه با ایران و روسیه در قفقاز جنوبی شده است (فلاح‌پیشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی» نویسندگان معتقدند که قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ترکیه با بهره‌گیری از سه عنصر زبان، تاریخ مشترک و اقتصاد خواهان تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در رقابت با سایر قدرت‌های منطقه‌ای بوده و در این عرصه در دو دهه گذشته توانسته به موفقیت‌هایی دست یابد و از خود تصویر مثبتی ایجاد نماید. از این رو، ترکیه درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ بومی و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های خود به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود است که در این ره گذر از دیپلماسی نرم و قدرت بهره می‌گیرد (گودرزی و معبودی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

البته مقالات دیگری نیز وجود دارد و یا در برخی کتب مربوط به مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز مباحثی به سیاست منطقه‌ای ترکیه اختصاص یافته است که عمدتاً مقطعی محدود و یا یکی از دو حوزه قفقاز یا آسیای مرکزی و یا بعد خاصی از روابط منطقه‌ای ترکیه را مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین، به زبان‌های دیگر نیز مقالاتی ارائه شده که نگارندگان نیز در مباحث بعدی خود به آن‌ها اشاره خواهند کرد، اما ویژگی اصلی متن حاضر آنست که موضوع را با یک نگرش ایرانی و در یک بازه سه دهه‌ای از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۹ مورد تحلیل قرار داده و در اختیار کارشناسان و دست‌اندرکاران این حوزه قرار می‌دهد.

روش پژوهش مورد استفاده برای انجام این تحقیق و بررسی ایده اصلی مقاله یک روش ترکیبی و مبتنی بر مدل تحلیلی است و عمدتاً با استفاده از مدل تحلیلی برگرفته از بازاندریشی سازه‌انگارانه در مکتب «تحلیل سیاست خارجی» (Foreign Policy Analysis) و «تحلیل مضمون» متون تولید شده از سوی خبرگان سیاست خارجی ترکیه و بویژه متخصصان حوزه مطالعات اوراسیایی می‌باشد. برای ارائه متن و یافته‌های اصلی این تحقیق، کوشش خواهد شد تا با بحث در باره مبانی و نگرش‌های کلان سیاست

خارجی آنکارا در قبال منطقه، روش‌ها و فرصت‌ها و مشکلات آن را مطرح نموده و در پایان نیز دستاوردهای آن را در این قلمرو منطقه‌ای تحلیل نماییم.

مبانی نظری و مدل تحلیلی: بازخوانی سازه انگارانه مکتب تحلیل سیاست خارجی

اگر چه برای بررسی سیاست خارجی یک دولت در یک منطقه متحول و در یک دوره سی ساله با فراز و نشیب‌های گوناگون، به دشواری می‌توان از یک نظریه بهره گرفت، اما از آنجا که داشتن مفاهیم و مدل‌هایی برای تحلیل می‌تواند از حیث تحلیلی و تبیینی مساعدت مهمی بنماید، در این بحث کوشش شده تا به طور کوتاه به تمهیدی برای این موضوع بیندیشم. معمولاً مباحث سیاست خارجی بویژه زمانی که قرار است از درون مورد بررسی قرار گیرند، در چارچوب مکتب تحلیل سیاست خارجی که از دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شده با نگاهی سازه انگارانه مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این رابطه به نظر می‌رسد تئوری‌های گفتمان و نقش بویژه از منظری سازه انگارانه خیلی اهمیت دارند و برای درک و تحلیل سیاست خارجی یک کشور و تعاملات آن با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند بسیار به ما کمک کند.

معمولاً سیاست خارجی دولت‌ها از منافع ملی، اهداف، برنامه‌ها و رفتارهای آن‌ها تشکیل می‌شود. اما منافع ملی، خود از رهگذر هویت دولت و گفتمان‌های آن تکوین می‌یابد. بر مبنای هویت دولت، گفتمان‌های سیاست خارجی در هر عصر و دوره ای و نسبت به هر منطقه‌ای به وجود می‌آیند و گفتمان نظامی از ارزش‌ها و قواعد در یک چارچوب مفهومی زبانی است که بر شکل‌گیری منافع و انجام رفتارها حاکم است (Larson, 1997: 7-8). از این نگاه، گفتمان‌ها در هر دوره‌ای تأثیری اساسی بر تکوین و شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور نسبت به یک موضوع یا منطقه یا حتی دولت دارند.

اما تئوری نقش بیشتر از حوزه علوم اجتماعی گرفته شده و در بحث‌های سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفته است و به درک بازیگران از جایگاه و موقعیت و کنش خود در جمع و در برابر دیگران اشاره دارد. این مفهوم نخست به عنوان یک رویکرد در مطالعه سیاست خارجی با اثر مهم هالستی با عنوان تحلیل سیاست خارجی و سیاست

بین‌الملل مطرح شد، که بر تأثیر ادراکات تصمیم‌گیرندگان در مورد نقش دولتشان در صحنه جهانی بر رفتار سیاست خارجی آن دولت تأکید داشت. از نگاه او، مفهوم نقش ملی، تعریفی است که دولتمردان از انواع تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولتشان و وظایفی که دولتشان باید در شرایط گوناگون جغرافیایی و موضوعی بازی نمایند، به عمل آورند. او به شانزده نقش اشاره کرده است که دولت‌ها می‌کوشند خود را در آن چارچوب ظاهر نموده و رفتار کنند. نقش‌های مهم مورد توجه او شامل نقش سنگر انقلاب و نیروی رهایی‌بخش، حامی جنبش‌های رهایی‌بخش، عامل ضد امپریالیست، رهبر منطقه‌ای، دولت توسعه‌گرا، دولت میانجی، دولت ایدئولوژیک و غیره می‌باشد (هالستی، ۱۳۷۲: ۱۰۸-۹۸).

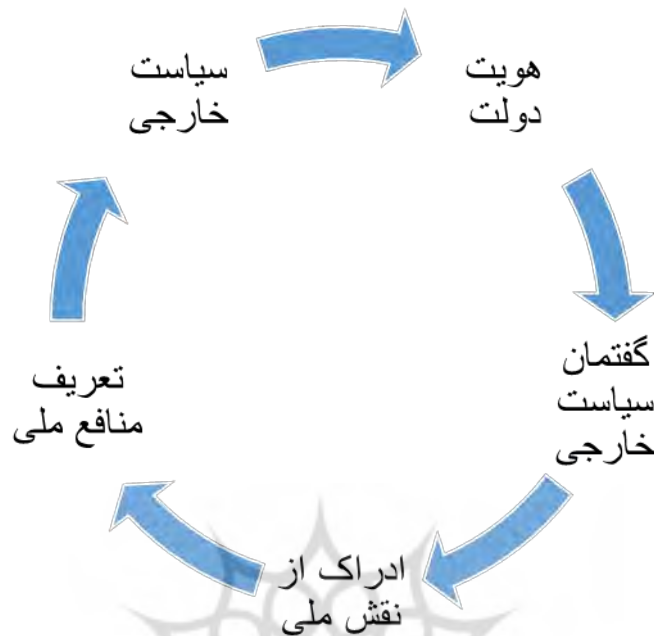
اما رویکرد هالستی از زمان خود جلو بود و قابلیت‌های مهم آن برای بحث ساختار - کارگزار چندان مورد توجه قرار نگرفت بلکه استفاده از نظریه نقش بیشتر در ارتباط با نظریه‌های ساختاری روابط بین‌الملل، به ویژه بررسی سیاست خارجی امریکا مورد توجه واقع شد. در دهه گذشته توجه جدیدی به تئوری نقش ایجاد شده که از کارهای قبلی متفاوت است، زیرا بیشتر با رویکرد روانشناختی به تحلیل سیاست خارجی ارتباط دارد. آنگونه که مکتب تحلیل سیاست خارجی به طور فزاینده‌ای برای تحلیل و درک سیاست خارجی دولت‌های کوچک‌تر که محدودیت‌های قابل توجهی در عملکردهای بین‌المللی دارند، مورد توجه قرار گرفته، نظریه نقش نیز جذابیت بیشتری پیدا کرده است. تمرکز این نظریه بر ادراکات تصمیم‌گیرندگان از نقش دولت خود در سیاست‌های بین‌المللی، فهم سیاست خارجی تعداد بیشتری از کشورها در عرصه جهانی را افزایش می‌دهد (Breuning, ۲۰۱۷: ۱-۲).

ادراکات از نقش ملی شامل دیدگاه‌ها و فهم‌های مشترک در رابطه با نقش و هدف واقعی دولت خود به عنوان یک مجموعه اجتماعی در عرصه بین‌المللی است که محصول تاریخ، خاطرات و اجتماعی شدن است. این عوامل ممکن است متعارض باشند اما بیشتر موارد سازگاری دارند. از نگاه هیمناس، ادراک‌ها از نقش ملی به یک درک فردی از هویت دولت و احساسش از اینکه یک ملت به دنبال چیست و در مقایسه با دیگران در عرصه بین‌المللی به طور طبیعی چه می‌خواهد و جایگاهش به طور طبیعی

کجاست (Hymans, 2006: 18). یک تمایزی میان اندیشمندان امریکا و اروپا در این رابطه مطرح می‌شود که دسته اول بر اهمیت کیفیت‌های مادی و شناختی به عنوان عوامل تعیین کننده در شکل دهی به نقش‌های ملی تمرکز دارند و دومی‌ها با بکارگیری یک رویکرد بر ساختی بر اهمیت تعاملات اجتماعی که در آن‌ها نقش‌ها به دلایل مؤثر بر اقدام‌ها تاکید می‌نمایند. با وجود این اما همگی بر این امر متفق‌اند که جدا از عوامل داخلی مانند هویت‌ها و توانایی‌ها، که ادراکات از نقش‌های ملی را شکل می‌دهند، این ادراکات در واکنش به انتظارات دیگران شکل می‌گیرند (Ifantis, 2015: 12).

از مجموعه این بحث می‌توان سیاست خارجی یک کشور را فراتر از مباحثی مانند صرف منافع ملی، تهدیدات، محیط، قدرت، اتحاد موازنه و یا رویکردهای همکاری جویانه و نهادها و همگرایی‌ها، عمدتاً در چارچوب درک از هویت ملی، گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی در هر دوره‌ای، نگرش‌ها و ادراکات دولتمردان به نقش دولت خود که طبعاً با نگاه به و تفسیر از هویت تاریخی، وضعیت موجود ملی، داعیه‌های عقیدتی، و قابلیت‌های کشور شکل گرفته، و واکنش‌های محیط به این نقش درک و تحلیل و تبیین نمود. بر این اساس، ادراک از نقش‌ها در یک تعامل کارگزاری و ساختاری و در تعامل با محیط و فرصت‌ها و فشارهای آن مفهوم می‌یابد و نتایج سیاست خارجی نیز بر تعدیل و تطبیق رویکردهای هویتی مؤثر خواهد بود. مدل تحلیلی زیر این وضعیت را نشان می‌دهد.

برداشت از هویت دولت ← گفتمان‌های سیاست خارجی ← ادراک دولتمردان از نقش دولت ←
تعریف منافع ملی و اولویت‌های کشور ← اهداف، برنامه‌ها و رفتارهای سیاست خارجی در محیط منطقه‌ای



این مدل تحلیلی بر اساس ترکیب مؤلفه‌های موجود در مکتب تحلیل سیاست خارجی با نگرشی سازه انگارانه تنظیم شده‌اند و بر اساس آن، برداشت نخبگان یک جامعه از هویت دولت خود در هر عصری به تولید مؤلفه‌ها و عناصر شکل دهنده به گفتمان اصلی در سیاست خارجی و یا و باز اندیشی در گفتمان‌های سیاست خارجی گذشته منجر می‌شود و برداشت‌ها و ادراک دولتمردان از نقش دولت خود در چارچوب آن گفتمان در تعریف منافع ملی و اولویت‌های کشور اهمیت بسیار دارد و طبعاً اهداف، برنامه‌ها و رفتارهای سیاست خارجی را در محیط منطقه‌ای تنظیم خواهد کرد.

منافع ملی و اهداف منطقه‌ای ترکیه

استقلال جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی برای ترکیه یک فرصت مهم ایجاد نمود و دولت آنکارا با اهداف سیاسی گسترده تلاش نمود تا از این وضعیت جدید استفاده نماید و در راستای گسترش نفوذ اقتصادی و فرهنگی خود به همکاری با کشورهای جدید روی آورد، همچنین کوشیده است تا سفارتخانه‌های خود را مستقر و فعال نماید. اصول و اهداف سیاست خارجی سنتی ترکیه، تضمین منافع ملی ریشه‌دار تاریخی ولی

رو به سوی آینده، تأمین و حفظ منابع خارجی لازم برای تأمین توسعه و دفاع ملی از طریق برقراری دولت و متحدین جدید، حفظ و تحکیم موقعیت ترکیه در جهان معاصر است. با عنایت به فلسفه بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست نگرش به غرب به عنوان اصل اول کمالیسم، موضع‌گیری سیاست خارجی ترکیه را در منطقه تحت‌تأثیر قرار داد، به گونه‌ای که پس از جنگ دوم جهانی، منطقه خاورمیانه در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی ترکیه قرار گرفته بود (فولر، ۱۳۷۹: ۱۱۶-۱۱۵). به طور کلی اصول سیاست خارجی ترکیه را به ویژه در دو دهه اخیر می‌توان سیاستی چندبعدی و متوازن، با اولویت منافع اقتصادی و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی به ویژه در بخش انرژی و انتقال خطوط لوله از خاک ترکیه، و برخوردار از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی دانست (فلاح پیشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۴).

از نگاه یکی از تحلیلگران ترکیه‌ای، آنکارا اهداف و اصول خاص خود را در حوزه سیاست خارجی در منطقه که کمک به دولت‌سازی در این کشورها است، دنبال می‌نماید؛ حمایت از اصلاحات سیاسی و اقتصادی؛ افزایش همگرایی با جامعه بین‌الملل؛ و ایجاد و توسعه روابط دوجانبه است (آکینچی، ۱۳۸۳: ۱۵). به طور کلی هدف اصلی سیاست خارجی ترکیه، تأمین امنیت، ثبات، صلح و رفاه ترکیه در منطقه و ایجاد شرایط لازم برای توسعه همکاری‌ها و تأمین نیروی انسانی است. سیاست اصلی ترکیه نسبت به جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته در چارچوب سیاست‌های غرب بر ایجاد اصلاحات سیاسی، اقتصادی، حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی، کمک به روند دولت‌سازی و حمایت از حمل‌ونقل بی‌وقفه منابع عظیم انرژی منطقه به بازارهای بین‌المللی و ارائه مسیرهای جایگزین در صورت لزوم متمرکز بوده است. در مجموع سیاست جدید ترکیه نسبت به منطقه آسیای مرکزی دارای چند ویژگی اصلی است:

- الف. ایجاد توازن روابط خود در منطقه با دیگر قدرت‌های بزرگ؛ فدراسیون روسیه، جمهوری اسلامی ایران، چین، هند و پاکستان؛
- ب. فعالیت‌های سیاسی به منظور ایجاد ثبات و امنیت در منطقه؛
- ج. تسهیل روابط انرژی، به ویژه در رابطه با مسیرهای حمل‌ونقل.

از سوی دیگر، به طور کلی اهداف ترکیه در منطقه اوراسیا را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

یک. گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز و یافتن جایگاه مناسب در منطقه؛
دو. ارائه الگوی حکومت غیرمذهبی به عنوان تنها نظام حکومتی مطلوب بر جانشینی نظام کمونیستی در منطقه؛

سه. ارائه اندیشه پان‌ترکیسم و تشکیل اتحاد بزرگ میان ۲۰۰ میلیون ترک زبان (از غرب چین و آسیای مرکزی تا انتهای شبه‌جزیره بالکان)؛

چهار. ایفای نقش پل ارتباطی بین غرب و منطقه؛

پنج. ممانعت از شکست جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان در بحران قره‌باغ؛

شش. جلوگیری از گسترش بنیادگرایی اسلامی و تفکر انقلابی در منطقه؛ و

هفت. ارائه کمک‌های اقتصادی مالی و فنی در جهت نفوذ در کشورهای منطقه (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

فرصت‌ها و امکان‌های ترکیه در منطقه

ترکیه امروز کشوری ست با اقتصادی توسعه یافته که با بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در سال، رتبه نوزدهم را از نظر تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ داشته است. آمارهای جهانی این کشور را توسعه یافته و در شمار بیست کشور صنعتی می‌دانند. اقتصاد ترکیه از نگاه مؤسسات و نهادهای مالی و اعتباری بین‌المللی به عنوان یک بازار نوظهور و رو به رشد ارزیابی می‌شود. ترکیه از لحاظ وضعیت اقتصادی رتبه ششم در اروپا به شمار می‌رود. ترکیه به لحاظ بدهی خارجی با رقمی بالغ بر ۴۵۷ میلیارد دلار در رتبه ۲۸ دنیا و به لحاظ جذب سرمایه‌های خارجی در رتبه ۲۲ جهان قرار دارد. این کشور در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده و در هشت ماهه سال ۲۰۱۸ نیز موفق به جذب ۷ میلیارد دلار سرمایه خارجی شده است (<https://ed.mfa.ir/portal/newsview/30822/1398>). از این رو، می‌توان این کشور را برخوردار از وضعیت داخلی مناسبی برای در پیش گرفتن یک سیاست منطقه‌ای فعال تلقی کرد.

این کشور در دهه ۱۹۹۰ با حکومت‌های ائتلافی اداره شد و با بحران‌های اقتصادی وارد سال‌های ۲۰۰۰ شد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، سیاست خارجی دوباره به سمت آسیای میانه و قفقاز کشیده شد. با ورود ایالات متحده آمریکا به منطقه بازیگران مهم منطقه (فدراسیون روسیه، چین، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه) وارد درگیری و رقابت سیاسی-اقتصادی شدند. از سال ۱۹۹۵ که نفت و گاز منطقه در اختیار ایالات متحده آمریکا قرار گرفت، از طریق ترکیه به بازارهای جهانی می‌رفت که این مسأله به طور کامل با منافع ترکیه در منطقه همخوانی داشت. این هماهنگی ایالات متحده آمریکا و ترکیه باعث شد، فدراسیون روسیه کشورهای منطقه را، جانبداران و متعهدان به ایالات متحده آمریکا ببیند. آنکارا در منطقه برای گسترش نفوذ خود علاوه بر روش‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی از روش‌های فرهنگی در قالب یک برنامه گسترده دیپلماسی فرهنگی بهره برد. ارائه بورس تحصیلی به دانشجویان منطقه و ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها برای تحصیل جوانان منطقه از مهم‌ترین روش‌های ترکیه بوده است. هم‌اینک هزاران نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ترکیه در منطقه حضور دارند (Cashman, 2013: 94). آکینچی به تحصیل بیش از ۱۵ هزار دانشجو از منطقه در ترکیه و وجود حدود ۱۰۰ مرکز آموزشی ترکیه‌ای در منطقه تا سال ۱۳۸۳ اشاره می‌کند (آکینچی، ۱۳۸۳: ۱۷).

ترکیه با دو روش رسمی و غیررسمی به گسترش نفوذ خود در این جمهوری‌ها ادامه داد. برای دستیابی به اهداف مورد نظر به افتتاح مدارس و مراکز آموزشی پرداخت و امکانات لازم جهت ادامه تحصیل دانشجویان این کشورها را در ترکیه فراهم ساخت. در این خصوص عقد قراردادهای همکاری بین دانشگاه‌های ترکیه نظیر آنکارا، استانبول، اژه، مرمره، غازی، با دانشگاه‌های جمهوری‌های آسیای مرکزی آغاز شد. بنیادها و سازمان‌های متعدد از قبیل بنیاد آموزشی ترکیه، بنیاد ادبیات ترک، بنیاد آموزش ملی و بنیاد پژوهش‌های علمی و بنیاد فرهنگ و آموزش، نقش اساسی در القای سیاست آموزشی ترکیه به جمهوری‌های آسیای مرکزی داشته و دارند. به عنوان مثال بنیاد آموزشی ملی، به هر کدام از مدارسی که قرار بود از سوی ترکیه در باکو و بیشکک احداث شود مبلغ ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی کرد. بعضی از بنیادها کنفرانس‌هایی را

ترتیب دادند و از این راه سیاست آموزشی ترکیه را به خارج از مرزهای آن کشاندند. در گسترش سیاست آموزشی ترکیه، فتح‌الله گولن و جماعت وی نقش مهمی داشتند. وی توانست با تلفیق آموزش و تجارت در برنامه‌های خود توفیق یابد. انجمن گولن در بیش از ۵۰ کشور جهان سرمایه‌گذاری آموزشی کرده است و مدارس آن به ۵۰۰ و دانشگاه‌ها وی به شش رسیده است. به گفته مسئولین این مدارس، فرزندان رؤسای جمهوری کشورهایی مانند قزاقستان، قرقیزستان، و ترکمنستان و فرزندان وزرای این کشور در این مدارس تحصیل کرده‌اند. ترکیه در سال ۱۹۹۱ در قزاقستان، دانشگاه بین‌المللی قزاق ترک (خواجه احمد یسوی) را در شهر ترکستان تأسیس نمود که هم اکنون ۳۵۰۰ دانشجو در آن تحصیل می‌نماید. همچنین دانشگاه دیگری بنام سلیمان دمیرل از سوی رؤسای جمهور دو کشور در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد. فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در مؤسسه‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی مشغول به کار می‌شوند. از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۲ حدود سه هزار دانشجو از قزاقستان برای تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه به این کشور اعزام شدند و حدود هزار دانشجو از ترکیه در بهترین دانشگاه‌های قزاقستان از قبیل دانشگاه آبی، فارابی و قزاقستان جنوبی مشغول به تحصیل شدند. دانشجویان در بدو ورود به مدت یکسال زبانی ترکی و روسی فرا می‌گیرند (عابدینی، ۱۳۸۴: ۱۲). ترکیه برای نفوذ در منطقه از ابزارهای گوناگونی چون سازمان تیکا، اکو، سازمان همکاری‌های دریای سیاه، سازمان کشورهای ترک زبان هلال‌احمر ترکیه، وزارت دیپلماسی اجتماعی، سازمان‌های آژانس توسعه و همکاری بین‌المللی وزارت امورخارج، تلویزیون ملی ترکیه، وزارت فرهنگ و توریست، بنیاد «یونس امره»، بنیادها و دانشگاه‌ها، نهادهای مدنی، مطبوعات و سایر بازیگران بهره گرفته است.

محدودیت‌ها و مشکلات ترکیه

اگرچه ترکیه فرصت‌ها و قابلیت‌های مهمی برای برقراری روابط با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی داشته و دارد اما بایستی دریافت که آنکارا با مشکلات و محدودیت‌های مهمی نیز روبرو است. استیغن لارابی از مؤسسه رند مهم‌ترین محدودیت‌های آنکارا را شامل محدودیت‌های مالی و اقتصادی، ناهمخوانی مدل‌های سیاسی، بی‌زاری دولت‌های

منطقه از نگرش پدرسالاری و نفوذ فدراسیون روسیه در منطقه می‌داند (Larrabee, 2011: 105). ایمره دنیزخان استاد دانشگاه تراکیا معتقد است که، در سپتامبر ۱۹۹۱ ترکیه برای ارزیابی و تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر دو هیأت به کشورهای منطقه فرستاد و یک سیاست و دیپلماسی فعال را آغاز نمود و همان‌طور که قبلاً آورده شد، ۱۵ دولت تازه تأسیس را به رسمیت شناخت و به آن‌ها قول همکاری داد، فدراسیون روسیه در مقابل او قرار گرفت و ترکیه سعی نمود با کاهش نفوذ فدراسیون روسیه در میان کشورهای تازه استقلال‌یافته منطقه نفوذ نماید. اما از آن جایی که ترکیه بدون طرح و برنامه وارد این کار شد در میان کشورهای گفته‌شده در شرایط سختی قرار گرفت.

برخی دولت‌ها در طول این مدت ترکیه را به پیروی از سیاست‌های تورانی متهم نمودند و با گسترش برخی گفته‌ها در داخل ترکیه مبنی بر شعارهایی که ترک‌ها می‌گویند: «از آدریاتیک تا دیوار چین، دنیای ترک» یا «قرن ۲۱ قرن ترک» به نوعی به این اتهامات ترغیب شدند. ترکیه فهمیده بود که با نادیده گرفتن فدراسیون روسیه در این منطقه نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای با کشورهای منطقه وارد همکاری شود، زیرا وابستگی‌های اقتصادی و نظامی باقی‌مانده از اتحاد جماهیر شوروی اکنون باعث شده بود که فدراسیون روسیه به عنوان مهم‌ترین قدرت منطقه شناخته شود. ضمن اینکه برخی از این کشورها از جمله قزاقستان، ترکیه را «به عنوان مدل» نمی‌دیدند، بارزترین نمونه در این زمینه، «نشست سران دولت‌های ترک زبان» در سال ۱۹۹۲ بود که در آن ناممکن بودن سیاست‌های ترکیه و راهکارهایی که برای منطقه ارائه نمود، آشکار بود. قابل بیان است که بیشتر سران شرکت‌کننده در نشست به زبان روسی صحبت می‌کردند و با سیاست‌های ترکیه که سعی در خارج نگاه داشتن فدراسیون روسیه از طرح‌ها داشت مخالفت کردند. با پیشنهاد سلیمان دمیرل در مورد کاهش نفوذ روبل فدراسیون روسیه مخالفت شد، طرح اوزال، عبور خط لوله گاز و نفت بدون گذشتن از فدراسیون روسیه و گذر از ترکیه، با هشدارهای فدراسیون روسیه به کشورهای منطقه بی‌نتیجه ماند. این نشست هیچ منفعتی برای ترکیه نداشت و شاید دلیل آن ارزیابی‌های نادرست کسانی بود که مسائل را مورد بررسی قرار داده بودند (Denizhan, 2010: 3-4).

سیاست ترکیه در منطقه در سطوح مختلف با چالش مواجه است. این عوامل موجب شده است که ترکیه نتواند به سرعت به اهداف خود نزدیک شود به عبارتی منابع متضاد با سیاست‌های ترکیه به اندازه‌های هزینه‌های آن را بالا برده است که به طور عملی ترک‌ها به تعدیل سیاست‌های خود پرداخته و در برخی صحنه‌ها مجبور به عقب‌نشینی استراتژیک شده‌اند. در زیر منابع چالش‌ساز را در چند سطح بررسی می‌نماییم. نخست باید به مخالفت سه کشور غیرترک و اقلیت‌های قومی غیرترک با سیاست فرهنگی و قومی ترکیه اشاره نمود. در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از نظر زبانی سه کشور: ارمنستان، گرجستان و تاجیکستان و همچنین اقلیت قومی روس که در بیشتر کشورهای منطقه ساکن هستند، نه تنها جزء خانواده زبان ترکی نیستند، بلکه گسترش زبان ترکی، یکدست شدن قواعد آن در منطقه و تبدیل شدن آنان به یک هویت مشخص و تأثیرگذار را متضاد با منافع و منابع هویتی خود می‌دانند و در نقطه مقابل آن قرار می‌گیرند.

چین نیز به علت داشتن استان‌های ترک‌نشین سین‌کیانگ، نینگ‌شیا و کانسو در همسایگی کشورهای قزاقستان و قرقیزستان از لحاظ امنیتی از تبلیغات هویت‌گرایی ترکیه ناخرسند است. مقامات چینی در سال ۲۰۰۱ با اعلام موجودیت یک اتحادیه موسوم به سازمان آزادی‌بخش ترکستان شرقی و افزایش فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه در استان سین‌کیانگ که منجر به اعدام تعدادی از آن‌ها شد، نسبت به فعالیت‌های پان‌ترکیستی ترکیه در قفقاز و آسیای مرکزی حساس‌تر شدند. به خصوص زمانی که، احزاب ملی‌گرا در ترکیه پیروز بشود و یا قدرت بگیرد چین را نگران می‌سازد (Cashman, 2013: 92).

سیاست‌های پان‌ترکیستی ترکیه از دریای آدریاتیک تا ایالت سین‌کیانگ چین را در برمی‌گیرد، لذا طبیعی است که پکن نسبت به اهداف ترکیه در منطقه بشدت بدبین باشد. در این راستا نیز برغم اینکه چین خود را چندان دخیل در مناقشه جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان نمی‌داند، ولی به خوبی به این نکته آگاه است که موفقیت جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان تسهیل‌کننده راه‌های نفوذ ترکیه در منطقه آسیای مرکزی بوده است که در نهایت باعث تهدید منابع اقتصادی سیاسی و امنیتی چین خواهد شد. پس طبیعی به نظر می‌رسد که پکن علاقه چندانی به حل کشمکش به نفع

جمهوری آذربایجان نداشته باشد و حداقل خواهان تداوم کشمکش برای ممانعت از استمرار سیاست‌های ترک‌گرایی ترکیه از طریق پل ارتباطی جمهوری آذربایجان شود. به هر حال، چین هم یکی از چالش‌سازان راهبردهای فرهنگی ترکیه در منطقه محسوب می‌شود.

در مجموع در مورد چالش‌های ترکیه چنین می‌توان گفت با گذشت حدود سه دهه از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، انتظارات اولیه ترکیه درباره توسعه نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی محقق نگردیده است و این کشور به دلایل مختلف هنوز موفق به تحقق استراتژی برادر بزرگ‌تر نشده است. بولنت اراس محقق مشهور ترکیه مشاور احمد داووداگلو وزیر امور خارجه معتقد است مشکلات ساختاری منجر به ناکامی سیاست‌های ترکیه در قبال سه کشور قفقاز جنوبی شده است (Bulent Aras، ۲۰۰۱/۰۵).

از این رو می‌توان حضور ترکیه را در منطقه چندان هم بی‌مشکل و بی‌درد سر ندانست. از خصومت‌های میان دو کشور ترکیه و ارمنستان تا برخی بدبینی‌ها در میان مقامات دولتی در آسیای مرکزی و نیز رقابت‌های روسیه و نگرانی آن از حضور و نفوذ روسیه، شرایط را برای ترکیه محدود تر ساخته‌اند، اما بخش خصوصی قدرتمند این کشور، مساعد بودن سیاست‌های غرب نسبت به آن و نگرش کلان دولتمردان منطقه به این کشور که در مجموع چندان منقعی نیست، شرایط را به نسبت کشورهای دیگر مساعد ساخته است.

دستاوردها و نتایج

با توجه به اهداف و برنامه‌ها و اقدامات ترکیه می‌توان دستاوردهای آن را در دو حوزه اصلی فرهنگی و اقتصادی مورد توجه قرار داد. اگر چه در حوزه اقتصادی می‌توان رتبه سوم در تجارت و سرمایه‌گذاری و رقم ۱۶ میلیارد دلار مبادلات سالانه را مثال زد اما طبعاً در حوزه فرهنگی این موضوع دشوار تر است. البته این به معنای ابهام در فعالیت‌ها و دستاوردهای فرهنگی نیست، بلکه وجود بیش از یکصد مدرسه ترکیه در کشورهای منطقه و ده دانشگاه را می‌توان دستاورد مهمی برای آنکارا ندانست.

ترکیه فعالیت‌های فرهنگی خود را در قالب پرونده‌های زمانی انجام می‌دهد و تلاش می‌کند در فرایندی پیچیده و طولانی به اهداف سیاسی و فرهنگی خود برسد. در این زمینه برخی اهدافش را عملیاتی ساخته و نسبت به برخی دیگر از اهداف خود زمینه سازی می‌کند، و یا حداقل در حوزه گفتگویی، تلاش می‌کند منطق خود را همه فهم نماید. از نمونه‌های آن تبلیغ برای تأسیس وزارت خانه کشورهای ترک زبان، ایجاد پول واحد کشورهای ترک زبان، تأسیس آموزش و پرورش کشورهای ترک زبان، تشکیل انجمن روزنامه نگاران ترک زبان را می‌توان نام برد. البته در برخی موارد اقداماتی جدی صورت گرفته است برای نمونه در مورد کمیته تدوین دستور زبان ترکی همه فهم برای کشورهای، سال‌هاست که تأسیس شده و فعالیت می‌نماید. در کنار این نهادها ده‌ها انجمن و نهاد فرهنگی در راستای تقویت همگرایی منطقه‌ای در حوزه فرهنگ، سال‌هاست که با حمایت دولت ترکیه و حتی دولت‌های منطقه فعالیت می‌نمایند و تأثیر قابل توجهی را در شناخت بنیادهای مشترک فرهنگی منطقه برجای گذاشته‌اند.

ترکیه حضور پررنگ رسانه‌ای در بسیاری از کشورهای منطقه دارد و سال‌هاست که فعالیت گسترده‌ای را در جمهوری‌های آسیای مرکزی سازمان داده و از آذربایجان در غرب دریای مازندران تا جمهوری مغولستان و حتی منطقه اویغورنشین سین کیانگ در غرب چین، نفوذ فرهنگی خود را توسعه داده است. هر یک از رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب این کشور در منطقه نمایندگی‌هایی دارند. در این رابطه می‌توان به حوزه‌های خبری و رسانه‌ای مختلف این کشور در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی اشاره کرد که تحولات منطقه را پوشش داده و بر افکار عمومی مردم تأثیر جدی دارند. کانال‌های متعدد شبکه تلویزیونی دولتی ترکیه بویژه شبکه تلویزیونی تی.آر.تی ترکیه از طریق کانال موسوم به تورکتی. آر. تی که یکی از کانال‌های هفتگانه این شبکه است هر روز عصر به مدت سه ساعت برنامه‌های خود را برای مردم منطقه، همزمان با ترکیه پخش می‌کند. این شبکه به زبانهای کشورهای ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، و آذربایجان برنامه پخش می‌کند (رنجکش، ۱۳۹۷: ۷۸).

در حوزه آموزشی آنکارا توانسته است دستاوردهای جالب توجهی داشته باشد. به عنوان مثال، بر اساس برخی گزارشات، در پایان سال ۲۰۱۳ میلادی بیش از ۹۰۰۰ نفر در

شبکه مدارس ترکی ثبات در قرقیزستان در حال تحصیل بوده‌اند. از امتیازهای اصلی این مدارس در مقایسه با مدارس محلی؛ تأکید بر آموزش زبان انگلیسی و علوم پایه است. برای نمونه در سال ۲۰۱۲ شش نفر در المپیاد بین‌المللی فیزیک به نمایندگی از قرقیزستان شرکت کردند که ۵ نفر از آنان از مدارس ترکی ثبات بودند. در مدارس ثبات؛ روش تدریس به زبان‌های ترکی و انگلیسی است. نمی‌توان انکار کرد که سطح آموزش در این مدارس بسیار بالا و مطابق با استانداردهای بین‌المللی است. عمدتاً دانش‌آموزانی از خانواده‌های ثروتمند قرقیزستان در این مدرس مشغول به تحصیل هستند زیرا شهریه آن بسیار بالا است. امروزه شبکه مدارس ترکی ثبات که توسط پیروان فتح‌الله گولن تأسیس شده‌اند محبوبیت خاصی میان مردم قرقیزستان پیدا کرده‌اند. در این مدارس دروس دینی تدریس نمی‌شود. هرچند مشخص است که دانش‌آموزان به‌نوعی تعلیم دینی دارند. بعد از کودتای سال ۲۰۱۶ طرفداران گولن در ترکیه، دولت اردوغان به دوات‌های آسیای مرکزی و قفقاز فشار آورد تا این مدارس را در اختیار دولت این کشور قرار دهند. اگر چه در ابتدا مقاومت‌هایی وجود داشت، اما ظاهراً توافقی بر اسر اداره این مدارس ایجاد شد تا تداوم فعالیت آن‌ها تضمین شود.

یکی از حوزه دیگر دیپلماسی فرهنگی ترکیه، مرتبط با سیاست‌های دینی است. تمام فعالیت‌های دینی از سوی «سازمان امور دیانت» که نهادی دولتی و وابسته به نخست‌وزیری است، انجام می‌شود. با اینکه در قانون اساسی ترکیه دخالت دولت در امور دینی منع شده اما دولت با تأسیس این سازمان، سیاست‌های دینی خود را از طریق آن اجرا می‌کند. اعزام مبلغ و مدرس دینی از اقدام‌های دیگر سازمان امور دیانت است (رنجکش، ۱۳۹۷: ۷۹). این سازمان با احداث مساجد بزرگ در کشورهای منطقه و نیز مراکز فرهنگی دینی توانسته تأثیر زیادی بر افکار و اندیشه‌های دینی در میان مردم منطقه داشته باشد.

در حوزه اقتصادی و تجاری آنکارها توانسته به دستاوردهای مهمی برسد. اکنون ترکیه از شرکای خارجی عمده بسیاری از کشورهای منطقه می‌باشد و بر اساس آمارهای سال ۲۰۱۸ با حدود ۶ میلیارد دلار مبادله تجاری در رتبه سوم پس از چین و روسیه قرار دارد حجم سرمایه‌گذاری شرکت‌های آن در منطقه به ۱۵ میلیارد دلار می‌رسد و ارزش

کل پروژه‌های انجام شده توسط شرکت‌های پیمانکاری ترکیه در منطقه از ۸۶ میلیارد دلار فراتر رفته است. نزدیک به ۴ هزار شرکت ترکیه‌ای در منطقه فعالیت می‌کنند (http://www.mfa.gov.tr/turkey_s-relations-with-central-asian-republics.en.mfa).

در اواسط دسامبر سال ۲۰۱۸، در جریان نمایشگاه کالاهای کشورهای شورای ترک در عشق آباد، گزارش شد که سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در منطقه از ۸۵ میلیارد دلار فراتر رفته است. قابل توجه است که کل میزان سرمایه‌گذاری‌های چینی که بیشتر آن‌ها در بخش سوخت و انرژی قزاقستان متمرکز است، همین مقدار تخمین زده می‌شود (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/09/10/2150221>). این کشور در بخش اقتصادی با ده‌ها دفتر نمایندگی بصورت خاص یا مشترک در کشورهای منطقه حضور دارد. سرمایه‌گذاری کلان آنکارا در حوزه اوراسیایی موضوعی ست که چشم انداز آینده حضور و نفوذ آن را بسیار روشن نشان می‌دهد. پس از اجلاس آستانه در سال ۲۰۱۵، گردش مالی تجاری بین ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی با احتساب جمهوری آذربایجان از قفقاز به ۱۶ میلیارد دلار رسیده است (<https://www.ritmeurasia.org>).

از نظر نفوذ اقتصادی در ترکمنستان، ترکیه مدت‌هاست که از روسیه پیشی گرفته است. طبق داده‌های گمرک روسیه، گردش مالی کالا بین فدراسیون روسیه و ترکمنستان در مقایسه با سال گذشته ۴۴۴ میلیون دلار بوده است. طی ماه‌های ژانویه تا نوامبر ۲۰۱۸، ترکمنستان ۶۷۳ میلیون دلار با ترکیه معامله تجاری داشته است. در دسامبر سال ۲۰۱۷، وزیر تجارت ترکیه، رخسار پکجان، در افتتاح نهمین نمایشگاه محصولات صادراتی کشورهای ترکی در عشق آباد گفت: پیمانکاران ترک در مجموع ۱۰۱۰ پروژه را در ترکمنستان به ارزش کل ۴۷,۷ میلیارد دلار به اتمام رسانده‌اند. به گفته پکجان، آنکارا ترکمنستان را مسیری به سوی آسیای مرکزی می‌داند، و بنابراین از افزایش تجارت با آن و سرمایه‌گذاری متقابل حمایت می‌کند. در میان شرکای تجاری خارجی، ترکیه طبق گفته ترکمن استات (کمیته دولتی آمار ترکمنستان) در رتبه چهارم صادرات و اول واردات قرار دارد. ترکیه در کنار پنج شریک تجاری بزرگ ترکمنستان که شامل چین، ایتالیا، افغانستان و امارات متحده عربی هستند، قرار دارد. در اینجا روسیه جزو پنج

آمار کشاورزی، تولیدات صنعتی، سبک‌شناسی آمارگیری از مردم، اشتغال کودکان، حساب‌های ملی و توسعه شبکه‌های اینترنتی ایجاد شد. همچنین بازسازی آرامگاه خواجه احمد یسوی طی ۸ سال، ساخت سایت رایانه برای دانشگاه بین‌المللی آستانه و توسعه تجارت فرش دستباف از دیگر اقدامات بوده است. در قرقیزستان نیز تأسیس مرکز پیوند مغزاستخوان در سال ۲۰۰۶ که بدین منظور آموزش پزشکان تکمیل شده و اولین پیوند در ۲۰۰۷ به وقوع پیوست، پروژه تأسیس شرکت‌های کوچک که نزدیک به ۱۰۰ نفر را در استخدام خود دارند و اغلب آن‌ها که در ابتدا کارگر ساده بودند اکنون در بخش صادرات و واردات فعال هستند، پروژه توسعه آماری برای کمک به گذار به اقتصاد بازار و پروژه نسخ خطی قرقیز دنبال شده است. در سالهای اخیر و بویژه پس از ۲۰۱۷ این روند تسریع شده و حوزه‌های بیشتری را تحت پوشش قرار داده است.

اما در تاجیکستان، این سازمان به تأمین آب آشامیدنی و مصرفی در شهر حصار تاجیکستان برای حدود ۲۵۰۰۰ نفر که تخمین زده شده تا ۵۰۰۰۰ نفر قابل افزایش است و بدین منظور یک شبکه منبع آب ایجاد شده که ملزومات تعمیر و نگهداری آن نیز پیش بینی شده است و تعمیرات و نگهداری مرکز کشت و آزمایش ایالت لنین آباد و نصب و راه اندازی تاسیسات تصفیه آب آشامیدنی در کیتاگولو بازسازی پرورشگاه چوربوق اقدام نموده است. سازمان تیکا در ترکمنستان نیز کارهایی مانند توسعه پرورش مرغ، مرمت آرامگاه سلطان سنجر، توسعه پرورش پسته قاضی آنتپ ترکیه در مساحتی به وسعت ۷۵۰۰۰ هکتار، ایجاد سیستم ثبت دانه‌های گیاهی و گونه‌شناسی و سیستم صدور گواهی نامه پرداخته است (www.tika.gov.tr ۲۰۱۳/۲/۱) در جمهوری آذربایجان نیز به ایجاد یک منطقه صنعتی سازمان یافته در همکاری با وزارت اقتصاد و توسعه جمهوری آذربایجان که می‌تواند تأثیری بزرگ بر صنعت این کشور داشته باشد مبادرت نموده و بدین منظور فعالیت‌های زیر در دست اقدام است: پروژه شهرسازی آبشرون نخستین منطقه صنعتی سازمان یافته در کشور را ایجاد کرد، پشتیبانی کارشناسی و مشاوره برای مدیریت منطقه صنعتی سازمان یافته فراهم شد، بنیاد آذربایجان- ترکیه برای فرآوری دانه و پژوهش در ۱۹۹۵ سال با فراهم شدن مواد اولیه و تجهیزات لازم آغاز به کار کرد. در ارتباط با این امر ۲ مرکز آموزشی در گوبا و هاچماز برای آموزش کشاورزان ایجاد شد.

همچنین کمک به کمیته آماردولتی که منجر به تسریع پرداخت‌ها و کاهش مالیات‌ها شده است. پروژه آزمایشگاه سنجش خاک که می‌تواند باعث توسعه و رشد خاک کشاورزی و افزایش باردهی خاک و محصول شود. اما در گرجستان پروژه کمک به آموزش و پرورش در منطقه مارنوللی، آجریا و تفلیس، پروژه آب آشامیدنی روستای قره جه لر و قره چوب در مرز آذربایجان، مقابله با نابودی انگل‌ها توسط موربانه‌ها و حشرات چوب‌خوار، توسعه زیر ساخت‌ها و تأمین آب و برق روستاها، و پروژه نوسازی بیمارستان روستای کینکچی قابل یادآوری است. و سرانجام در ارمنستان به دلیل اختلافات و مشکلات قومی و تاریخی موجود بین دو کشور تیکا نمایندگی ندارد (www.ecocci.com/dc/۱۹/۰۴/۲۰۱۰).

یکی از دستاوردهای ترکیه در حوزه اقتصادی را می‌توان انتقال انرژی از منطقه دانست که در این زمینه توانسته سه خط انتقال انرژی مهم را پوشش دهد. بر این اساس ترکیه تلاش کرده تا موقعیت خود را به عنوان یک کشور مهم ترانزیت انرژی تثبیت کند. در همین راستا این کشور در دهه گذشته با همسایگان خود که دارای منابع گاز طبیعی هستند موافقت نامه‌های مهم متعددی را به امضاء رسانده است که در این ارتباط می‌توان آغاز کار پروژه خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان، پروژه عملیاتی شده خط لوله گاز طبیعی بر باکو - تفلیس - ارز روم و پروژه‌های اکتشافی عمده انرژی تولید و انتقال آن اشاره کرد. در ذیل به معرفی برخی پروژه‌های معتبر در حوزه ترانزیت انرژی منطقه توسط ترکیه پرداخته خواهد شد. گاز طبیعی جمهوری آذربایجان از سال ۲۰۰۷ از طریق خط لوله باکو - تفلیس ایرزروم وارد ترکیه می‌شود. این خط لوله در حالتی تأسیس شد که نفت برای آن استخراج می‌شد. به واسطه این توافق که مدت اعتبار آن ۱۵ سال است، ترکیه ۶/۶ میلیارد مترمکعب از گاز طبیعی را از حوزه شاه دنیز ۱ در جمهوری آذربایجان دریافت می‌کند. در سال ۲۰۱۱، رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه و الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان در اولین اجلاس شورای همکاری استراتژیک، دو توافقنامه در زمینه خرید گاز از شاه دنیز ۲ در سال ۲۰۱۷ توسط ترکیه و انتقال گاز از شاه دنیز ۲ از مسیر ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۴۲ امضاء کردند. این دو توافقنامه، خرید گاز طبیعی ترکیه را نهایی کرد و افق جدیدی برای انتقال گاز به بازارهای اروپا باز نمود. علاوه بر

این در این جلسه شرکت ملی نفت جمهوری آذربایجان و شرکت نفت تورکاس ترکیه توافق نمودند که برای ساخت پالایشگاهی ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنند (صولت، ۱۳۹۶: ۱-۲).

خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان. این خط لوله با ۱۷۷۰ کیلومتر طول توان انتقال ۱ تا ۱/۵ میلیون بشکه نفت خام را در روز به جیهان دارد که از سال ۲۰۰۶ رسماً شروع بکار نموده است. این خط لوله که هزینه ساخت آن ۴ میلیارد دلار هزینه برداشته است با هدف متعدد ساختن مسیرهای صادرات نفت خزر در نتیجه همکاری آذربایجان، ترکیه و ایالات متحده آمریکا به نتیجه رسید. علاوه بر خط لوله باکو - تفلیس - جیهان - ترکیه، در صدد بوده که تا حد امکان خاک خود را تبدیل به گذرگاه ترانزیت انرژی از حوزه دریای خزر نماید. در این زمینه پروژه ناباکو بسیار زیاد مورد توجه ترکیه واقع شده است. خط لوله باکو - ارز روم راه اصلی دریای خزر به اروپا است، اما حلقه مفقوده ای بین ارز روم و شبکه‌های خط لوله در اروپا وجود دارد که ناباکو این حلقه مفقوده را پر خواهد کرد. با تکمیل خط لوله نفتی باکو - جیهان در سال ۲۰۰۶ و خط لوله گاز باکو - ارز روم در ۲۰۰۹ دو راه مهم تنوع گاز اروپا به عینیت رسید. این دو خط لوله با همدیگر میدان نفتی آذری - چراغ - گونشلی را توسعه داد و میدان گازی شاه دنیز به بخشی از کریدور استراتژیک سیستم خطوط لوله آذربایجان - ترکیه ای - گرجستانی یا کریدور شرقی و غربی تبدیل گردید (نقدی نژاد: ۱۳۸۸: ۱۸۱). این کریدور برای غلبه بر تسلط روسیه به سیستم ترانزیت و خط لوله منطقه‌ای و دستیابی مستقیم به موجودی و ذخایر خزر در آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان طراحی شده است. ذخایر انرژی را از قزاقستان و ترکمنستان و از طریق خزر به آذربایجان و از طریق لوله‌های موجود از گرجستان و ترکیه عبور می‌دهد و سرانجام در بازار اروپا تحویل داده می‌شود. امری که در تمام سطوح نقش ترکیه بسیار کلیدی و برای اهداف راهبردی این کشور در جهت تبدیل شدن به شاهراه ترانزیت انرژی دارای اهمیت فوق العاده‌ای است.

از این رو می‌توان دریافت که ترکیه در دو حوزه فرهنگی و اقتصادی دستاوردهای روشنی در منطقه اوراسیایی داشته و امروزه نفوذ و حضور فرهنگی موثری داشته و با رتبه سوم تجاری و سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه می‌تواند پس از سه دهه امیدوار

به چشم‌انداز روشن‌تری برای آینده باشد. این در حالی‌ست که ترکیه در مقایسه با ایران همجواری جغرافیایی و اشتراک فرهنگی و تاریخی محدودتری با کشورهای منطقه دارد.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه در سه دهه اخیر با وجود برخی تداوم‌ها و خطوط نسبتاً متداوم اما با نگرش‌ها و ادراکات متفاوتی با منطقه اوراسیای مرکزی برخورد داشته و این تفاوت عمدتاً از نگرش هویتی نظام سیاسی جدید، گفتمان‌های اصلی حاکم بر عرصه سیاست ملی و سیاست خارجی، نقش ادراکی و قابل‌تصور دولتمردان آنکارا از ماهیت و کارکرد دولت بر خاسته است. در دوره سکولارها نگرش به هویت و ادراک از نقش این کشور در سیاست خارجی و بویژه در منطقه اوراسیایی، کارکردهایی متفاوت بدنبال داشت اما در دوره اسلام‌گراها این وضعیت تغییراتی بدنبال داشته و این موضوع در تعریف محیط خارجی و دوست و دشمن و تعیین منافع و اولویت‌های سیاست خارجی تأثیری بنیادین داشت و اگر چه در طول دهه‌های بعدی این نگرش و نقش بتدریج در پرتو تعاملات بین‌المللی دستخوش بازنگری‌هایی گردید، اما شاکله و عناصر اساسی آن در تعریف منافع ملی کمابیش پایدار ماند و همین موضوع موجب تداوم موفقیت‌ها بوده است.

در این مقاله دریافتیم که آنکارا با اهداف و برنامه‌های اقتصادی، قومی و مذهبی به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز توجه نموده و کوشیده است تا در منطقه نفوذ جدی پیدا نماید و این نفوذ به ویژه در حوزه‌های اقتصادی بسیار مهم و قابل توجه بوده است. به طوری که حتی با وجود قطع روابط رسمی با کشور ارمنستان، در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ چهارمین شریک تجاری خارجی ارمنستان بود و حجم روابط تجاری ترکیه و ارمنستان از سال ۲۰۱۱ بیش از سه میلیارد دلار بوده است. از سال ۲۰۰۸ تاکنون شریک تجاری خارجی دوم آذربایجان و حجم مبادلات تجاری آن‌ها در برخی سال‌ها تا سه میلیارد دلار بوده است. روابط تجاری با قزاقستان نیز بیش از سه میلیارد دلار است.

نکته دیگر نقش کلیدی ترکیه در ترانزیت منابع انرژی دریای خزر به اتحادیه اروپا است، که همین روند منجر به کاهش نقش تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در معادلات انرژی در سطوح منطقه‌ای و جهانی گشته است. از جمله خطوط لوله نفتی باکو-

تفلیس - جیحان و پروژه گازی باکو که ترکیه نقش اصلی را در ترانزیت این منابع دارد و افزون بر این سیاست‌هایی در جهت مخالف جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. ترکیه درآمد زیادی از این طریق کسب می‌نماید و از سوی دیگر، ابزاری برای فشار به اتحادیه اروپا و سکوت مجامع بین‌المللی در مقابل تحولات داخلی ترکیه و نقض حقوق بشر در این کشور است.

ترکیه، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک تهدید جدی در نزد سردمداران کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جلوه می‌دهد و به واسطه اشتراکات زبانی و فرهنگی و تأکید بر ملی‌گرایی ترکی در این زمینه موفقیت‌های زیادی کسب نموده است و منجر به کاهش تأثیرگذاری مؤثر سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به خصوص در آذربایجان و ازبکستان گشته است. این که چرا ترکیه توانسته جایگاه مهم‌تری داشته باشد، امری است مربوط به سه دهه گذشته و حتی دهه قبل از آنست؛ یعنی زمانی که ترکیه نخستین سنگ‌های بنای توسعه اقتصادی خود را در دهه ۱۹۸۰ میلادی گذاشت. اما در دوران اخیر نیز ترکیه از نگاه مساعد دولت‌های غربی و نیز دولتمردان منطقه برخوردار شده و توانسته است همکاری‌های اقتصادی مهمی را آغاز نماید که همین امر نیز سنگ بنیانی برای فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی شده است.

در واقع دولت ترکیه در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از شرایط مساعدی برخوردار بوده و از این رو، کوشیده است تا از آن‌ها بهره لازم را ببرد. در سطح داخلی با وجود دو نگرش متفاوت سکولار قومی و مذهبی در سیاست خارجی، اما نقطه مشترک هر دو آن‌ها منافع ملی و اولویت بخشی به اقتصاد و تقویت بخش خصوصی بوده و لذا در تعامل با کشورهای منطقه نیز با دست پرتی برخورد کرده‌اند. در سطح منطقه‌ای با وجود اختلاف با ارمنستان و کدورت‌هایی که با ازبکستان پیش آمده اما در مجموع نگاه دولتمردان سایر کشورها به آنکارا بسیار مساعد بوده و کمتر با مشکلی از ناحیه آن‌ها روبرو شده‌اند. در سطح بین‌المللی نیز شرایط چندان به زیان دولت ترکیه و اقداماتش در آسیای مرکزی و قفقاز نبوده است و از این رو، با فراغ بال بیشتری نسبت به ایران در این عرصه حضور یافته است.

منابع

- آبکی، تورج. (۱۳۸۶). *گذر از کمالیسم سنتی*، هفته نامه خبری تحلیلی شهروند، سال دوم شماره پیاپی ۳۹، یکشنبه ۷ مرداد.
- بزداغلی اوغلو، پوپل. (۱۳۸۶). «نوگرایی معنویت و سیاست خارجی ترکیه»، ترجمه اعظم حمیدپور، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ جهان اسلام*، سال نهم؛ شماره ۳۶، زمستان.
- جمال گوگجه. (۱۳۷۳). *قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی*، ترجمه وهاب ولی، تهران: وزارت امور خارجه.
- رنجکش، محمد جواد. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، سال دوم، شماره ۲.
- سنایی مهدی. (۱۳۸۸). «ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی»، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۶.
- صولت، رضا. (۱۳۹۶). «ارزیابی روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان»، *مرکز مطالعات بین‌المللی صلح*.
- عطایی، فرهاد و حسن شکاری و حمیدرضا عزیزی. (۱۳۹۱). «سیاست خارجی دولت «عدالت و توسعه» ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۳.
- فلاح، رحمت‌اله. (۱۳۸۷). «تحلیل سیاست خارجی دولت اردوغان در قالب پارادایسم نئوعثمانی گرایی»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ جهان اسلام*، سال نهم شماره ۳۶ زمستان.
- فلاح، رحمت‌اله. (۱۳۸۷). «تقابل الگوی فرهنگی ترکیه با ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ جهان اسلام*، سال نهم شماره‌های ۳۳ و ۳۴ بهار و تابستان.
- فلاح، رحمت‌اله. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر مبانی معرفتی اوراسیاگرایان نوین»، *فصلنامه مطالعات راهبردی؛ جهان اسلام*، سال یازدهم، شماره ۴۲ تابستان.

- فلاح، رحمت‌اله. (۱۳۸۹). «ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی گولن در ترکیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی: جهان اسلام*، سال یازدهم، شماره ۴۳ پاییز
- فلاح‌پیشه، حشمت‌اله، وحید شربتی و محمد مهدی مظفری. (۱۳۹۴). «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم، شماره دوازدهم.
- کاظمی، احمد. (۱۳۸۵). *پان ترکیسم و پان آدریسم؛ مبانی، اهداف و نتایج*، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- کوزه گر کالجی، ولی. (۱۳۸۹). *سیاست و امنیت در قفقاز، (پژوهش ۲۲)*، پژوهشکده تحقیقات راهبردی
- کولایی، الهه. (۱۳۷۶). *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی*، انتشارات سمت.
- کولایی، الهه. (۱۳۷۹). *سازمان همکاری اقتصادی اکو*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گودرزی، مهناز و فرشته معبودی‌نژاد. (۱۳۹۵). «قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۲۲، شماره ۹۳.
- لاندو، جیکوب. (۱۳۸۲). *پان ترکیسم یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری*، ترجمه حمید احمدی، نشر نی.
- لفورکی، بهزاد احمد. (۱۳۸۷). (تدوین)، *ترکیه حال و آینده*، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- مروری بر اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۱۸ و چشم انداز آینده. (۱۳۹۸). قابل دسترسی در سایت: <https://ed.mfa.ir/portal/newsview/30822>
- میرفخرایی، سید حسن و مجید فیروزمندی‌بندی. (۱۳۹۶). *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی: نظم پیوندی خاورمیانه و آسیای مرکزی*، تهران: فرهیختگان دانشگاه.
- نقدی‌نژاد، حسن. (۱۳۸۸). *روابط ایران و ترکیه؛ حوزه‌های همکاری و رقابت*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهش.

نوروزی، نور محمد. (۱۳۷۹). «تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۲۹ بهار.

ولی قلی زاده، علی. (۱۳۸۱). «بررسی تأثیر عادی سازی روابط ترکیه-ارمنستان بر روابط جمهوری با ترکیه»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۱، پاییز.

هالستی، کالوی. (۱۳۹۵). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: وزارت امور خارجه.

Aras, Bulent (2017). "Turkish Foreign Policy toward Transcaucasus", *Central Asia and Caucasus Journal of Social and Political Studies*.

E. Kapkyzy (2011). "V Irane vnov' pytaiutsia otkryt' kazakhskii kul'turnyi tsestr" [In Iran a Kazakh cultural center may open], *Azattyq*, December 11.

Emerging Markets Week "Turkey at the Crossroads", 24 December 2001.

ERTUGRUL, Ahmet & SELCUK, Faruk (2001). "A Brief Account of the Turkish Economy 1980-2000", *Russian and East European Finance and Trade*, 37 no. 6.

KINZER, Stephen (2000). "Turkey's Ex-Premier Gets 1-Year Sentence for Critical Speech: European officials say law is obstacle to EU membership", *San Francisco Chronicle*, 11.

Pejic, Igor (2017). The "Game" in Central Asia - Iran and Turkey, Available in: <http://strelok-analysis.com/wp-content/uploads/2017/07/The-game-in-Central-Asia-part-4-edited>

PEUCH, Jean-Christophe "Turkey: Court Ruling Shows Authorities' Refusal to See Alevism as A Religious Community", *Radio Free Europe Radio Liberty*, 18 February 2002a [Internet Access at <http://www.rferl.org/nca/features/2002/02/18022002084416.asp>

Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs, Relations between Turkey and Georgia: <http://www.mfa.gov.tr/reasons-between-turkey-and-georgia.en.mfa>

Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs, Relations between Turkey and Armenia: <http://www.mfa.gov.tr/reasons-between-turkey-and-armenia.en.mfa>

Stein, Aaron and Philipp C. Bleek (2012). *Turkish-Iranian Relations: From Friends with Benefits to Its Complicated*, *Insight Turkey*, Vol. 14/ No.4/2012.

Role Theory in Foreign Policy Marijke Breuning Subject: Political Psychology, Political Values, Beliefs, and Ideologies, *World Politics*

Online Publication Date: May 2017 DOI:
10.1093/acrefore/9780190228637.013.334

Triantaphyllou, Dimitrius and Andreas Kotelis Greese, National Role and Foreign Policy: An Exploratory Study of Greek Elites' Perceptions towards Turkey Kostas Ifantis, Paper No.94 Hellenic Observatory Papers on Greece and Southeast Europe AUGUST 201.

Role Theory in Foreign Policy Marijke Breuning Subject: Political Psychology, Political Values, Beliefs, and Ideologies, World Politics Online Publication Date: May 2017 DOI:
10.1093/acrefore/9780190228637.013.334

Triantaphyllou, Dimitrius and Andreas Kotelis Greese (2015). National Role and Foreign Policy: An Exploratory Study of Greek Elites' Perceptions towards Turkey Kostas Ifantis, Paper No.94 Hellenic Observatory Papers on Greece and Southeast Europe.

۱۶۰



پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

دوم، شماره پیاپی

سی و دوم

تابستان ۱۳۹۸